

تصمیمات قضائی

(۱)

یکی از کارمندان دارائمی مشهد به اتهام اینکه موقعی که رئیس جیره بندی و بخش کوپن بیرجند بوده نسامه اداره اقتصادی بیرجند را که پیوست آن یازده برگ کوپن جیره بندی (متعلق به خانواده ای بوده و اداره اقتصادی بیرجند برای ابطال آنها با اداره جیره بندی مشهد فرستاده بود) از بین برده و از سهمیه یازده برگ کوپن مزبور تا مدتی استفاده کرده و ما به التفاوت قیمت دولت با بازار آزاد را برداشت و کلاهبرداری کرده تحت تعقیب دیوان کیفر آمده و در دیوان مزبور باستناد اینکه عمل مضایق ماده ۱۵۸ قانون کیفر عمومی مخفی کردن اوراق مزبوره است و با رعایت ماده ۴۵ آن قانون علاوه بر انفصال از خدمت به سه ماه حبس تادیبی محکوم گردیده است .

محکوم علیه مزبور از این حکم فرجام خواسته و شعبه دوم دیوان کشور در تاریخ ۲۲/۳/۲۹ در این زمینه چنین رای داده است :

« گذشته از اینکه عمل فرجامخواه مشمول عناوین دیگر جزائی میشود که از بودن کوپن ظاهر گردیده که با فرض محکومیت تحت آن عناوین بودن کوپن جزو عوامل اجرائی آن زه محسوب و زه علیحده بشمار نسیرفته اصولاً دادگاه بدون احراز دو رکن اصلی جرم موضوع ماده ۱۵۸ که عبارت است از سپرده شدن کوپن ها یا ودیعه بودن آنها بر حسب وظیفه بمنهم باشد بصورت حکم میادرت نموده و بطوریکه حکم فرجام خواسته حاکی است دادگاه تشخیص داده که نامه متضمن کوپن ها با چند نامه دیگر بموجب ینک امضاء دریافت شده ولی اینکه امضاء مزبور از فرجام خواه میباشد در حکم تشخیص شده و در مورد اینکه وظیفه فرجام خواه قبول در سامت کوپن ها بوده

بگواهى چند نفر از كارمندان استناد شد و حال آنكه با توجه به توسعه معنى
 وظيفه بموجب جزء ۸ از قانون متمم قانون جزاى عمال دولت تشخيص موظف
 بودن لااقل بايد توسط اداره يا وزارت خانه متبوعه او بعمل آيد و شهادت
 اشخاص نمیتواند مثبت وجود يك تشكيلات يا وظيفه بشود و چون حكم فرجام
 خواسته بجهات مذكوره مخدوش است بدستور ماده ۴۳۰ آئين دادرسى كيفرى
 نقض و با توجه بقانون اصلاح قانون ديوان كيفررسيدگى بدادگستري مشهد
 ارجاع ميشود .

(۲)

كسى بطرفيت دادستان شهرستان و رئيس شهربانى يكي از شهرستانها
 بخواسته شصت هزار ريال بهاي چاپخانه در دادگاه شهرستان اقامه دعوى کرده
 و توضيح داده كه مالك چاپخانه مسزبور اجازه تصرف و استيفاء منفعت از
 چاپخانه را بمن داده و در آذر ۱۳۲۶ چاپخانه بوسيله شهربانى توقيف گرديده
 و انك تقاضاى رسيدگى و حكم برفع توقيف چاپخانه را دارم :

دادگاه شهرستان رآى داده است كه چون دليل كافى برصحت دعوى
 مالكيت خواهان اقامه نشده و بعدم احراز مالكيت چاپخانه از اموال بلاصاحب
 خواهد بود - حكم به بطلان دعوى صادر ميشود : (

از اين رآى و كيل خواهان پژوهش خواسته دادگاه استان خلاصه رآى
 داده است كه :

ملاك تقديم دادخواست پژوهش همان ابلاغ حكم مورد شكايه بمشار
 اليه بوده در صورتيكه مشاراليه را خواهان كه و كيل مالك چاپخانه بوده و
 حق نو كيل داشته بوكالت برگزيده ودر وكالتنامه نامبرده حق پژوهش خواهى
 قيد نشده و حال آنكه برطين ماده ۶۲ آئين دادرسى مدنى تصريح حق پژوهش
 الزامى است ب علاوه طبق ماده ۸ - همان قانون ابلاغ حكم بوكيلي كه حق
 دادرسى در مرحله بالاترى باو تفويض نشده غير معتبر است بنا بر اين چون حكم
 ابلاغ قانونى نشده و شروع مدت پژوهش وقتى محقق ميشود كه ابلاغ حكم

قانونی باشد تقدیم دادخواست نامبرده بمرور بوده و رد میشود :
 از این رأی فرجام خواسته شده و اعتراضات این است که خواهان
 بدوی بطور کلی حق رجوع بمقامات صالحه را داشته و یکی از مقامات صالحه
 دادگاه است و اختیاراتی که بموجب ماده ۶۲ باید بوکیل داده شود مخصوص
 وکیل دادگستری است و بر فرض اینکه وکالت کافی نباشد باید اخطار رفع
 نقص بعمل آید . شعبه ۴ دیوان کشور در این زمینه در تاریخ ۱۰/۱۲/۲۸
 چنین رأی داده است .

« اعتراض وکیل فرجام خواه بر فرار فرجامخواسته وارد است
 زیرا فرجامخواه برای آزاد کردن و رفع بازداشت ماشین چاپ از ناحیه
 وکیل بوده که هرگونه اقدام قانونی که لازم باشد بنماید و حق وکالت در
 توکیل غیر نیز داشته و برای چنین و کیلی لازم نیست موکل او اختیارات او را
 برای مراحل دادرسی طبق ماده ۶۲ قانون آئین دادرسی مدنی قید نماید و
 صرف حق توکیل غیر بنهایی کافی است که وکیل مزبور در توکیل غیر
 هر يك از اختیارات مندرجه در ماده ۶۲ را (از پژوهش و فرجام و امثال
 آن) که لازم میداند بوکیل انتضایی خود بدهد :
 بنابراین قرار فرجام خواسته صحیحاً صادر نشده گسیخته میشود و
 رسیدگی مجدد بهمان دادگاه صادر کننده قرار رجوع میشود . »

(۳)

کسی بخواسته ۵۵۳۶۵ ریال دادخواستی بطرفیت یک نفر بدادگاه
 شهرستان کرامت‌شاه تقدیم داشته و در دادگاه مزبور حکم محکومیت او
 بر بطلان دعوی صادر میشود - از این حکم محکوم علیه پژوهش خواسته و
 دادگاه استان ایرادی بر حکم بدوی وارد ندیده و حکم را غیاباً
 استوار مینماید .

بر اثر اعتراض محکوم علیه همان دادگاه استن رسیدگی کرده و
 چنین رأی میدهد :

در ماده ۴۸۳ آئین دادرسی مدنی مرجع تقدیم دادخواست و لزوم عدم رعایت مسافت تعیین گردیده و در ماده ۴۸۴ ابتدای مدت پژوهش و اعتراض بر حکم غیابی را تعیین کرده که در واقع مرجع تقدیم دادخواست اعتراض هم که خود رسیدگی پژوهش ثانوی است همان مراجعی است که در ماده مزبور در ماده ۴۸۹ تعیین گردیده و از مواردی نیست که صریحاً تعیین تکلیف نشده باشد و دادگاه مکلف باشد رعایت مسافت را طبق ماده ۱۷۵ بنماید - بنابراین چون در محل اقامت و اخواه دادگاه بوده در تاریخ ۲۱/۱۰/۲۶ حکم مورد و اخواهی را رؤیت نموده و در تاریخ ۲۶/۱۱/۲۶ دادخواست و اخواهی را مستقیماً باین دادگاه تسلیم کرده رعایت مسافت ملحوظ نبوده و دادخواست در خارج از مدت تقدیم گردیده و رد میشود) از این قرار محکوم علیه فرجام خواسته و شعبه ۶ دیوان کشور بتصدی آقایان دادبان و لواسانی و بنی آدم در حکم شماره $\frac{۸۰۷}{۲۹۴۲۷}$ چنین رای داده است .

قرار فرجام خواسته صحیح نیست زیرا باستناد ماده ۴۸۳ و ماده ۴۸۴ و ماده ۴۸۹ و بزم اینک برای مرجع تقدیم دادخواست اعتراض در مرحله پژوهشی صریحاً تعیین تکلیف شده است صادر گردیده در صورتیکه مواد مزبوره مربوط به دادخواست پژوهشی است و ارتباطی با دادخواست اعتراض ندارد و شق دوم ماده ۴۸۴ هم مربوط بشروع مدت پژوهشی است نسبت با حکام غیابی و نظری مرجع تقدیم دادخواست ندارد و چون تکلیف خاصی صریحاً برای مرجع تقدیم دادخواست اعتراض در مرحله پژوهشی معین نشده طبق ماده ۵۱۳ آئین دادرسی مدنی مفاد ماده ۱۷۵ قانون مزبور لازم الرعایه بوده لذا قرار فرجام خواسته نقض میشود - و ختم عمل بهمان دادگاه صادر کننده قرار ارجاع میگردد .

کسی با اتهام صدور چک بی محل بر اثر شکایت شاکی خصوصی تحت تعقیب دادرسی شهرستان تهران واقع شده و دادگاه جمعه عمل انتسابی متهم

را معزز دیده و بااستناد ماده ۲۳۹ مکرر قانون کیفر عمومی (قسمت ب)
 غیباً او را به ششماه حبس تأدیبی و پرداخت بیست هزار ریال کیفر نقدی
 محکوم نمود و پس از اعتراض او مجدداً نیز همان حکم را استوار کرده است
 متهم از این حکم پژوهش خواسته و در دادگاه استان نیز ابتدا غیباً حکم
 مزبور استوار گردیده و بر اثر اعتراض متهم دادگاه اخیر رسیدگی نموده و
 بعنوان اینکه اعتراض متهم فقط روی وعده دار بودن چک است که ضمن حکم
 سابق این اعتراض رد شده و مجرمیت او بی اشکال میباشد ولی از جهت رعایت
 تخفیف بااستناد ماده ۴۵ قانون کیفر عمومی حکم را گسیخته و متهم به مائة
 حبس تأدیبی و پرداخت بیست هزار ریال کیفر نقدی محکوم شده است متهم
 فرجام خواسته و شعبه ۵ دیوان کشور بتصدی آقایان حشمت الله قضائی و فاضل
 کاشانی و حسینعلی بنی آدم تشکیل و پس از رسیدگی در حکم شماره ۹۲۷ -
 ۱۳۴۹ ر ۲۹ چنین رای میدهد :

» چون قطع نظر از ورود اعتراضات و کیل محکوم علیه فرجام خواه
 اشکال ذیل بر حکم فرجام خواسته وارد است زیرا علاوه بر آنکه مقصود از
 از ماده ۳۱۱ قانون تجارت (در چک باید تساریخ و محل صدور قید شده و
 پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد) تاریخ حقیقی صدور و وعده حقیقی از
 تاریخ صدور است و در موارد اوراقی که بصورت چک در تاریخ مقدم بتاریخ
 مؤخر نوشته میشود و حقیقتاً و حتی عرفاً چک مزبور بدون تاریخ حقیقی و وعده
 دار محسوب است . اساساً در امور کیفری مدارکار و مناط اعتبار حقیقت حال
 و واقع امر است و لو آنکه صورت ظاهر حاکی از خلاف حقیقت باشد و
 بنا بر این در چنین موردی حقیقت قضیه عبارت است از طلبکار بودن دارنده
 چک و بدهکار بودن صادر کننده آن وجهی را که باید در مدت معینی پرداخت
 گردد و صورت حقیقی معامله مقتضی تنظیم فته طلب است که دارای مدت معین
 باشد نه تنظیم چک در تاریخ مقدم بتاریخ موخر و بدیهی است که مقصود
 دارنده از گرفتن چک بجای فته طلب تحصیل وثیقه ایستکه عبارت است از ترس
 و وحشت صادر کننده از تعقیب کیفری در صورت عدم پرداخت طلب در رأس
 موعد و مثل این است که طرفین در موقع اخذ و اعطاء فته طلب نوشته تنظیم کنند

که در صورت عدم تادیه طلب در راس موعد بدستکار مرتکب جرم شناخته شود و همچنانکه چنین قرار دادی در تعقیب کیفری متعهد مؤثر نیست صدور چک بجای فته طلب بمنظور و تیفه تعقیب کیفری صادر کننده تأثیری در تعقیب او نخواهد داشت و ماده ۲۳۸ مکرر قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۲/۵/۸ شامل این مورد نمیباشد و بجسات مذکوره استدلال دادگاه در حکم غیابی اولی خلاصه آنکه (وعده دار بودن چک باعث نمیشود که صدق عنوان چک بر ورقه مزبوره نشود که در حکم ثانوی نیز بهمان استدلال حکم اولی تسامد شده مخالف قانون بوده و صحیح نمیباشد لذا حکم مسزبور بموجب ماده ۴۳۱ اصول محاکمات جزائی بساکثریت شکسته میشود و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان مرکز ارجاع میگردد . >

قانون

اجازه الحاق دولت ایران بمقررات هواپیمائی کشوری بین المللی

> بقیه <

فصل چهارم - تدابیر بمنظور تسهیل هوانوردی تسهیل مراسم نشریات

ماده ۲۲ - هر کشور متعاهدی موافقت مینماید که تدابیر عملی را از راه وضع نظامات مخصوص و بسا بوسایل دیگر بمنظور تسهیل و تسریع هوانوردی هواپیما ها بین قلمرو های متعاهد و بسرای جلوگیری از تأخیرات غیر ضروری هواپیما و عملجات و مسافرین و بار آن مخصوصاً ضمن اجرای قوانین مربوط به مهاجرت و قرنطینه و گمرک و ترخیص اتخاذ نماید .

مقررات گمرکی و مهاجرت

ماده ۲۳ - هر کشور متعاهدی متعهد میگردد که تا آنجائی که عملی میدانند طرق اجرای مقررات گمرکی و مهاجرت را که در هوانوردی بین المللی تأثیر دارد بموجب ترتیباتی که ممکن است طبق این قرارداد هر چند وقت به چند وقت